



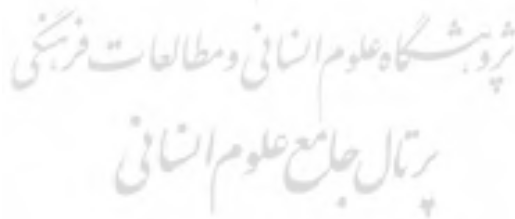
## نقد تأثیر تصوّف بر آداب «استاد و شاگرد» در کتب تعلیم و تربیت اسلامی قرون میانه (۴ تا ۷ ق)

سید محمدرضا حسینی<sup>۱</sup>، محمدطاهر یعقوبی<sup>۲</sup>  
سید حسن قریشی کرین<sup>۳</sup>، محمدامین میکائیلی<sup>۴</sup>

### چکیده

**هدف:** هدف از انجام این پژوهش، بررسی تأثیر رابطه «مرید و مرادی» صوفیه بر آداب «استاد و شاگرد» در رویکرد مبتنی بر کتاب و سنت تعلیم و تربیت اسلامی و نقد آن بود. **روش:** روش این پژوهش، کیفی بود و با مراجعه به منابع تاریخی و کتب تعلیم و تربیت اسلامی در قرون میانی (۴ تا ۷ ق)، به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام شد. **یافته‌ها و نتیجه‌گیری:** رابطه «مرید و مرادی» از آداب صوفیه است. در این رابطه، مرید تسلیم محض مرادش است. این آداب توسط نویسندگان تعلیم و تربیت اسلامی، الگوپردازی و به عنوان وظایف اخلاقی شاگرد مقابل استاد مطرح شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد رواج این آداب در بین طلاب، باعث ایجاد نوعی رابطه کاذب اخلاقی بین استاد و شاگرد، سلب اعتماد به نفس، استقلال اندیشه، جسارت نقّادی و مطالبه‌گری علمی شاگرد مقابل استاد شده است.

**واژگان کلیدی:** صوفیه، تعلیم و تربیت اسلامی، مرید و مرادی، استاد و شاگرد، قرون میانه.



3 3 3

◆ دریافت مقاله: ۰۰/۰۲/۰۱؛ تصویب نهایی: ۰۰/۰۵/۱۷.

۱. دکتری مدرسی معارف اسلامی، تاریخ و تمدن اسلامی؛ دانشیار دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول). نشانی: قم؛ میدان جهاد، میدان امامزاده سیدعلی، خیابان ۶۰ متری شهدای پست، / شماره: ۷۷۸۰۱۳۸ Email: mreza-hoseini@yahoo.com
۲. دکتری تاریخ اسلام؛ استادیار دانشگاه پیام نور.
۳. دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی؛ استادیار دانشگاه پیام نور.
۴. دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی، تاریخ و تمدن اسلامی؛ عضو هیئت علمی دانشگاه محقق اردبیلی.

## الف) مقدمه

تصوّف یکی از جریانهای مهم و تأثیرگذار در شئون مختلف فرهنگ و تمدن اسلامی است. اندیشه‌های صوفیه در نظام تعلیم و تربیت اسلامی نیز تأثیرات ژرف و فراوان داشته است. یکی از این تأثیرات، الگوپذیری تامّ آداب استاد و شاگرد در رویکرد تعلیم و تربیت اسلامی مبتنی بر کتاب و سنت، از رابطه مرید و مرادی در نظام تربیتی صوفیه است. نویسندگان کتب تعلیم و تربیت اسلامی در دوره میانه (قرن ۷-۴ ق)، آداب مرید و مرادی صوفیه را به عنوان آداب و فضایل اخلاقی لازم و ضروری برای طلاب علم در ارتباط با اساتیدشان معرفی کرده و آن را به آیات قرآن و سیره صحابه و تابعین مستند کرده‌اند. این الگوپذیری باعث به وجود آمدن نوعی رابطه اخلاقی کاذب و غیر منطقی بین شاگردان و استادانشان در حوزه‌های علمی تمدن اسلامی شده است که تبعات خاص آن را در فرهنگ و تمدن اسلامی می‌توان دید.

هدف اصلی پژوهش حاضر، نشان دادن تأثیر اندیشه‌های صوفیه بر تعلیم و تربیت اسلامی و نقد آن است. برای این منظور، تأثیر آداب «مرید و مرادی» در رویکرد صوفیانه به تعلیم و تربیت، بر آداب «استاد و شاگرد» در رویکرد مبتنی بر کتاب و سنت نظام تعلیم و تربیت اسلامی در بازه زمانی قرون میانه؛ یعنی سده‌های چهارم تا هفتم قمری بررسی شده است. از جمله کتابهای مهم تعلیم و تربیت اسلامی این دوره، «جامع بیان العلم و فضله» از ابن عبدالبر قرطبی (۴۶۳-۳۶۸ ق)، «الذریعه الی مکارم الشریعه» نوشته راغب اصفهانی (متوفای ۵۰۲ ق)، «احیاء علوم الدین» و «فاتحه العلوم» اثر امام محمد غزالی (۵۰۵-۴۵۰ ق)، «ادب العالم و المتعلّم» اثر امام نووی (۶۷۳-۶۳۱ ق) و «تذکره السامع و المتکلم فی ادب العالم و المتعلّم» از ابن‌الجماعه (۷۳۳-۶۳۹ ق) است.

درباره تعلیم و تربیت اسلامی و صوفیه، کتب و مقالات مستقل بسیاری نوشته شده است. در تلفیق بین دو موضوع، علی‌اکبر افراسیاب‌پور در مقاله «تعلیم و تربیت عرفانی»، مبانی نظری تعلیم و تربیت عرفانی و راهکارهای عملی آن را ارائه داده است. قهرمان مددلو «مبانی فلسفی، عرفانی و روایی تعلیم و تربیت» و بابک شمشیری و نقیب‌زاده «فرایند تعلیم و تربیت با اقتباس از مبانی عرفان اسلامی» را بررسی کرده‌اند. تنها تحقیقی که در زمینه موضوع این پژوهش انجام شده، «تأثیر عرفان و تصوّف اسلامی بر کیفیت تعلیم و تربیت ایرانی» از محمود نوالی است و غیر از آن، مقاله یا پایان‌نامه‌ای در این موضوع نگاشته نشده است. وجه تمایز پژوهش حاضر این است که نوالی به صورت کلی به اهداف و روشهای تربیت عرفانی و برخی تأثیرات منفی تصوّف بر تعلیم و تربیت پرداخته است (نوالی، ۱۳۷۳: ۱۸۲)؛ در حالی که پژوهش حاضر به صورت ویژه بر موضوع الگوپذیری آداب «استاد و شاگرد» در کتب تعلیم و تربیت اسلامی قرون میانه اسلامی، به رابطه «مرید و مرادی» صوفیه و تأثیرات آن پرداخته است. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی، با مراجعه به کتب تاریخی، اعم از تراجم و طبقات، آثار صوفیه و منابع

دست اول تعلیم و تربیت اسلامی در قرون میانه و نقد تأثیر آداب «مرید و مرادی» صوفیه در «رویکرد مبتنی بر کتاب و سنت» تعلیم و تربیت اسلامی انجام شده است.

## ب) مفاهیم

### ۱. تعلیم و تربیت اسلامی در قرون میانه

در قرون نخستین اسلامی، مساجد در کنار کاربری عبادی، نقش آموزشی نیز داشتند. آموزش در این دوره، محدود به آموختن قرآن، فقه و حدیث بود. اما از اواخر قرن سوم و قرن چهارم در جهان اسلام به ویژه در خراسان، به تدریج تأسیس و گسترش مدارس برای تعلیم و تربیت در مقاطع بالاتر و علوم تخصصی تر شکل گرفت (شلی، ۱۳۸۷: ۱۱۴). در کنار مساجد و مدارس، خانقاه‌ها و مراکز تصوف نیز ضمن ایفای نقش تربیتی ویژه و سیر و سلوک عرفانی، کاربری آموزشی نیز داشتند (کیانی، ۱۳۶۹: ۳۷۶-۳۷۴). در قرن پنجم با تأسیس نظامیه‌ها توسط نظام‌الملک طوسی، تحولی در تعلیم و تربیت اسلامی روی داد (غنیه، ۱۳۶۴: ۱۱۹-۱۱۸). ویژگی مهم تعلیم و تربیت در نظام آموزشی نظامیه، نبودن آزادی اندیشه و منحصر بودن تعلیم و تعلم در علوم نقلی و ترویج عقاید فقهی - کلامی مورد توجه نظام‌الملک، یعنی فقه شافعی و کلام اشعری بود. این نوع تعلیم و تربیت گزینشی با اغراض سیاسی - مذهبی، به پیروزی نسبی و رواج گفت‌وگو میان اصحاب حدیث و سنت در جهان اسلام انجامید (اشپولر، ۱۳۷۷: ج ۲: ۲۸۱). تسلط نقل‌گرایی و اندیشه اشعری تعلیم داده شده و توسعه یافته در مدارس نظامیه بر فرهنگ و تمدن اسلامی، نه تنها در قرون میانه اسلامی، که تا امروز نیز در جهان اسلام، به ویژه در اهل سنت کمابیش باقی مانده است.

### ۲. تصوف در قرون میانه

تصوف در قرن اول قمری، با تمایل برخی مسلمانان به زهد و در قرن دوم با تبدیل زهد به یک مشرب فکری به وجود آمد (دهباشی و میرباقری فرد، ۱۳۹۴: ۵۳-۵۲). اما تثبیت تصوف به عنوان یک جریان در تمدن اسلامی، در قرن چهارم اتفاق افتاد و تألیفات صوفیه در این قرن جنبه علمی و تعلیمی پیدا کرد (همان: ۱۰۹). در قرن پنجم، تعداد خانقاه‌ها و تألیفات صوفیانه گسترش چشمگیر داشت (همان: ۱۲۶). در قرن ششم، به موازات طرح موضوعات تازه و دگرگونی اساسی در تصوف، تقابل اساسی بین ایشان و علمای شریعت به وقوع پیوست (همان: ۱۴۹). در قرن هفتم، با ظهور ابن عربی، پدر عرفان نظری، تطور بزرگ تصوف اتفاق افتاد و سنت عرفانی جدیدی وارد عرصه شد. (میرباقری فرد، ۱۳۹۴: ۲۴)

### ۳. رویکردهای تعلیم و تربیت اسلامی

در نظام تعلیم و تربیت اسلامی چهار رویکرد عمده وجود دارد: الف) رویکرد مبتنی بر کتاب و سنت؛ رویکرد غالب در نظام تعلیم و تربیت اسلامی که تا امروز در مراکز علمی جهان اسلام به آن عمل می‌شود.

## 1192 ◆ نقد تأثیر تصوّف بر آداب «استاد و شاگرد» در کتب تعلیم و تربیت اسلامی قرون میانه

در این رویکرد، تمام اصول و مبانی تعلیم و تربیت، از آیات قرآن و سنت نبوی و سیره صحابه اتخاذ می‌شود. قائلین این رویکرد با توجه به گرایش حدیثی، اخلاقی و فقهی، قابل انقسام به این سه دسته‌اند. ب) رویکرد صوفیانه؛ که در تعلیم و تربیت عرفانی، نظریه ویژه تربیتی با عنوان «مرید و مرادی» را به کار گرفته‌اند. ج) رویکرد فلسفی؛ که بیشتر برگرفته از آرای فلاسفه یونانی همچون افلاطون و ارسطو است و غیر از شرح، بسط و اسلامی‌سازی، نوآوری خاصی در تمدن اسلامی نداشته است. د) رویکرد اجتماعی؛ که توسط ابن خلدون مطرح و بعد از وی، مورد توجه برخی نویسندگان واقع شد؛ ولی در تمدن اسلامی عملاً توجه چندانی به آن نشد. (باغستانی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۵۰۱۷-۵۰۱۶)

### ج) رویکرد صوفیانه به تعلیم و تربیت

در نظام تعلیم و تربیت اسلامی، صوفیه رویکرد ابداعی مخصوصی ارائه داده و در سیستم آموزشی خود به کار برده‌اند که به رابطه «مرید و مرادی» مشهور شده است. صوفیه این روش را از داستان موسی و خضر در قرآن اقتباس کرده‌اند.

#### ۱. ویژگی‌های رویکرد صوفیانه به تعلیم و تربیت

**یک) اصالت تربیت:** در نظام تعلیم و تربیت صوفیه، اصل بر تربیت است. غزالی معتقد است اولین وظیفه متعلم، طهارت قلب از رذایل است؛ چون علم، عبادت قلب و نماز، سرّ است و بدون طهارت قلب، نماز باطل است (غزالی، ۱۳۲۲: ۵۶). تربیت پیر مراد، محدود به زمان و مکان کلاس و درس نیست؛ بلکه پیر، مرید را «روز به روز و ساعت به ساعت تربیت می‌کند» (همدانی، ۱۳۴۱: ۳۲). صوفیه معتقدند خداوند تمام مکارم اخلاق و آداب را در وجود انسان به ودیعه نهاده است و در رابطه مرید و مرادی، در واقع شیخ چیزی به مرید آموزش نمی‌دهد، بلکه با تربیت معنوی خویش، باعث ظهور و بروز آن ودیعه الهی در وجود مرید، از قوه به فعل می‌شود. (سهروردی، ۱۴۲۷، ج ۲: ۱۲۰)

**دو) اصالت باطن:** صوفیه، علم باطن را سرّی از اسرار نبوت (مکی، ۱۴۲۴: ۸۱) و بقیه علوم را وسیله ابلیس برای گمراهی می‌دانند.<sup>۱</sup> ایشان علوم ظاهری را متعلق به عالم ملک و کارگزار آن را زبان، ولی علم باطن را از عالم ملکوت و کارگزار آن را خزانه آن را قلب معرفی می‌کنند. (همان: ۵۳)

**سه) استادمحوری:** روش تعلیم و تربیت صوفیه، یکطرفه و «استادمحور» است. در رابطه مرید و مرادی؛ مراد، فعال مایشاء است و مرید چون مرده‌ای در دست غسل است؛ در ظاهر و باطن، تسلیم ولایت شیخش

۱. «علم نبود غیر علم عاشقی مابقی تلبیس ابلیس شقی».

بوده؛ همه چیز را از خود سلب کرده؛ در هستی خویش، از عقل و اراده گرفته تا اعضا و جوارحش، هیچ تصرفی نکند و تمام وجود خود را به تصرف شیخ واگذارد (رازی، ۱۳۲۲: ۱۳۳). مرید باید پیر خود را پرستش کند و اگر پیرپرست نشود، نمی‌تواند خداپرست باشد (همدانی، ۱۳۴۱: ۳۳۳). تسلیم مطلق تا جایی است که مرید باید از خود هیچ اراده و خواسته‌ای نداشته باشد (باخرزی، ۱۳۸۳: ۸۳)؛ هر چه شیخ می‌گوید، بی‌چون و چرا بپذیرد و فکر مخالفت از مراد، در دلش هم خطور نکند (قشیری، ۱۳۷۴: ۴۵) و سخن شیخ را به منزله سخن خداوند بداند (سلطان‌ولد، ۱۳۷۶: ۲۶۷). از این رو، برخی از مشایخ صوفیه معتقدند بهترین آدابی که مرید باید در برابر مراد خویش مراعات کند، سکوت و خمود و جمود است (سهروردی، ۱۴۲۷: ج ۲: ۴۴۷). برخی از صوفیه، حرمت استاد را تا جایی حفظ می‌کردند که حتی در زمان حیات وی تدریس نمی‌کردند. از سهل تستری (۲۸۳-۲۰۳ ق) روایت شده که وقتی بعد از فراغت از تحصیل، از مصر به شوشتر بازگشت، تا زمانی که استادش ذوالنون در مصر زنده بود، به هیچ مسئله‌ای پاسخ نمی‌داد و وقتی با علم باطن دریافت که استادش درگذشت، شروع به پاسخ دادن به سؤالات، تدریس و سخنرانی کرد. (مستملی بخاری، ۱۳۶۳: ج ۱: ۲۱۵)

## ۲. حضور صوفیه در حوزه تعلیم و تربیت ایرانی اسلامی در قرون میانه

تصوف جریانی جدایی‌ناپذیر از فرهنگ و جامعه در تاریخ تمدن اسلامی است. صوفیه حضور پررنگ و تأثیرگذاری در شئون مختلف فرهنگ و تمدن اسلامی از جمله حوزه تعلیم و تربیت داشته‌اند. صوفیان دانشمند یا دانشمندان صوفی در طول قرن‌ها به تعلیم حدیث، تفسیر، فقه، اصول، کلام و حتی ادبیات و هنر همت می‌گماشتند. در علم حدیث که شاید بیشترین حجم آموزش در حوزه‌های علمی تمدن اسلامی را از قرون نخستین تا قرون اخیر به خود اختصاص می‌داد، تعداد قابل توجهی از اساتید و محدثین، صوفی یا صوفی‌مسلك بوده‌اند. برای نمونه، حافظ و محدث و مورخ و فقیه شافعی، ابوسعید سمعانی مروی (م. ۵۶۲ ق) وقتی در «معجم شیوخ»، اساتیدی را که از آنها حدیث شنیده فهرست می‌کند، بیش از ۸۰ استاد راوی و محدث صوفی را نام می‌برد.

## ۳. تأثیر رویکرد صوفیانه بر آداب استاد و شاگردی در کتب تعلیم و تربیت اسلامی در قرون میانه

بخشی از کتب تعلیم و تربیت اسلامی، به آداب و وظایف شاگردان برابر استادان اختصاص یافته است. رویکرد «مرید و مرادی» صوفیه، در «اصول تعلیم و تربیت اسلامی» نیز ورود پیدا کرده و دانشمندان مسلمان که در این زمینه کتاب نوشته‌اند، آن را ضمن آداب تعلیم و تربیت، گرده‌برداری کرده‌اند. ابن عبدالبر قرطبی (۴۶۳-۳۶۸ ق) در کتابش بابتی را با عنوان «هیبة المتعلم للعالم» گشوده و روایاتی از سیره صحابه را در بحث تعلیم و تعلم روایت کرده است؛ از جمله از ابن عباس نقل می‌کند که می‌خواسته مسئله‌ای را از عمر بپرسد و به خاطر هیبت او دو سال منتظر فرصت مناسب بوده است (قرطبی، ۱۹۹۶: ۱۲۹). باید توجه داشت که

#### 1194 ♦ نقد تأثیر تصوّف بر آداب «استاد و شاگرد» در کتب تعلیم و تربیت اسلامی قرون میانه

هیبت به معنی بزرگداشت همراه با ترس، حذر و پرهیز آمده است (مهیاری، بی تا: ۹۴۴). این نویسنده نوعی خضوع آمیخته با ترس برخی محدّثین مقابل شیوخ و اساتیدشان را نقل کرده و آن را به عنوان سنّت اسلامی و الگویی در آداب تعلیم و تربیت معرفی می کند (قرطبی، ۱۹۹۶: ۱۲۹). راغب اصفهانی معتقد است؛ همان گونه که مریض، طبیب را وکیل و صاحب اختیار در درمان خویش قرار می دهد و تسلیم امر می شود، شاگرد نیز باید در مقابل او امر معلم مطلقاً گردن نهد (راغب اصفهانی، ۱۹۸۰: ۱۵۰). امام محمد غزالی توصیه می کند که شاگرد نباید با استادش با ادبیات امر و نهی صحبت کند؛ بلکه باید زمام تمام امور خویش را به هر ترتیب در اختیار استاد واگذارد (غزالی، بی تا: ج ۱: ۸۴). امام نووی (۶۳۱-۶۷۶ ق) توصیه می کند که شاگرد باید مُنقاد معلم باشد و در همه امور از وی مشاوره بگیرد و کاملاً تحت امر او باشد؛ همچون بیماری که منقاد طبیب حاذق و ناصح است (نووی، ۱۹۸۷: ۴۵). ابن جماعه کنانی (۷۳۳-۶۳۹ ق) می نویسد؛ شاگرد باید مُنقاد استاد باشد و از رأی و تدبیر او سرپیچی نکند، بلکه در خدمت او همچون مریضی در حضور طبیب ماهر باشد (ابن الجماعه، ۲۰۱۲: ۹۷). در این زمینه روایاتی مانند «مَنْ عَلَّمَنِي حَرْفًا فَقَدْ صَبَّرَنِي عَبْدًا» نیز نقل شده که از نظر اسنادی مورد تردید است. این حدیث که از امام علی (ع) نقل شده، در هیچ یک از منابع روایی شیعه نیامده و عجلونی (از محدّثین اهل سنّت) آن را از جمله مشهورات و حتی جمله ای از شعبه و نه حدیث مأثور، آورده که در صورت حدیث بودن نیز به صورت مرفوع از طبرانی نقل شده است. (العجلونی، ۱۳۵۱، ج ۲: ۲۶۵)

#### ۴. نقد تأثیر رویکرد صوفیانه بر آداب استاد و شاگردی در کتب تعلیم و تربیت اسلامی

##### قرون میانه

##### ۱. تشبیه «استاد و شاگرد» به «طبیب و مریض»

یکی از تأثیرات رویکرد صوفیانه به رابطه «مرید و مراد» در رویکرد تربیتی مبتنی بر کتاب و سنّت، تشبیه شاگرد به مریض است. طبق دستورالعمل نویسندگان کتب تعلیم و تربیت اسلامی با رویکرد قرآن و سنّت در قرون میانی، شاگرد باید چشم و گوش بسته و با اذعان به جهل خویش، مطیع و مُنقاد استاد باشد و حق هیچ گونه نقد و اعتراضی به استاد را برای خودش قائل نباشد.

##### ۲. رابطه اخلاقی کاذب

نویسندگان رویکرد مبتنی بر کتاب و سنّت، با تأثیرپذیری از آداب مرید و مرادی صوفیه، نوعی رابطه اخلاقی کاذب و غیر معقول را فضیلت می شمارند. قائلان این رویکرد، استحیا از هیبت استاد در سؤال

کردن را، فضیلتی اخلاقی و از آداب ضروری در تعلیم و تربیت اسلامی معرفی می‌کنند؛ در حالی که پیامبر(ص) این نوع حیا را حیا حُمق<sup>۱</sup> نامیده‌اند.

### ۳. استاد محوری

نظام تعلیم و تربیت اسلامی، تحت تأثیر رویکرد تربیتی صوفیه، «استاد محور» شده است. گفته شده که از بزرگ‌ترین مصیبت‌ها، نشان دادن کتاب به جای معلم است. به گفته امام شافعی، تعلیم گرفتن از درون کتاب - بدون استاد - ضایع کردن علم است (ابن‌الجماعه، ۲۰۱۲: ۹۷). حتی به تبعیت از اندیشه‌های صوفیه گفته‌اند: هر کس مربی ندارد، دین ندارد و مربی او شیطان است (المقدسی، ۲۰۱۱: ۱۵۶). در این رویکرد، فرایند آموزشی به طور کلی در اختیار استاد است و شاگرد نقش کاملاً منفعلانه‌ای دارد.

### ۴. نقض استقلال شخصیت شاگرد

نگاه صوفیه به مرید و مراد، نگاه صفر و صد است. در این رویکرد تربیتی، «مراد» فعال ما یشاء و «مرید» همچون مرده‌ای در دست مرده‌شور است (رازی، ۱۳۲۲: ۱۳۳). این رویکرد وقتی به تعلیم و تربیت اسلامی راه یافت، استقلال شخصیت شاگرد را در برابر استاد از وی می‌گیرد و شاگرد هر چند از استادش هم دانشمندتر شده باشد، تا آخر عمر شاگرد باقی می‌ماند. در این صورت، کمتر شاگردی را می‌توان پیدا کرد که برای خودش شخصیتی مستقل از استاد بسازد.

### ۵. خدشه بر استقلال علمی شاگرد

وقتی رویکرد مرید و مرادی صوفیه در تعلیم و تربیت گریخته‌برداری شد؛ اطاعت بی‌چون و چرای شاگرد از استاد، فضیلت معرفی می‌شود؛ در حالی که قرآن، انسان را از تبعیت بی‌چون و چرا در مسائل معرفتی نهی فرموده است: «از آن چیزی که به آن علم نداری پیروی مکن؛ چرا که گوش و چشم و دل، مورد بازخواست هستند» (اسرا: ۳۶). یا می‌فرماید: «بشارت ده به بندگان من، آنان که برای دستیابی به حقیقت، به سخنان گوش می‌سپارند و از بهترین آن پیروی می‌کنند» (زمر: ۱۸-۱۷). در مکتب اهل بیت(ع) نیز «عقل، راهنمای مؤمن است» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱: ۲۵). پیامبر(ص) و امامان معصوم(ع) با اینکه به تصریح قرآن مرجعیت علمی دارند (نحل: ۴۴-۴۳) و خداوند مؤمنین را به تسلیم کامل در مقابل ایشان فرمان داده (احزاب: ۵۶؛ نسا: ۶۵)؛ با این حال شاگردان خویش را به مطالبه‌گری علمی تشویق کرده‌اند؛ برای نمونه، امام صادق(ع) فرمودند: «هر گاه در موضوعی برای شما سخنی گفتم، [دربارۀ سند آن موضوع] در قرآن، از من پرسش کنید». (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱: ۶۰)

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): الْحَيَاءُ حَيَاءٌ أَنْ حَيَاءٌ عَقْلٍ وَ حَيَاءٌ حُمُقٍ؛ فَحَيَاءُ الْعَقْلِ هُوَ الْعِلْمُ وَ حَيَاءُ الْحُمُقِ هُوَ الْجَهْلُ. (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲: ۱۰۶)

### (د) بحث و نتیجه گیری

در قرون میانه، رویکرد «مرید و مرادی» صوفیه، توسط مؤلفان صاحب نظر، در نظام تعلیم و تربیت اسلامی، الگوپردازی و به عنوان آداب «شاگرد و استادی»، در ردیف «اصول تعلیم و تربیت اسلامی» وارد شده است. این نوع رابطه که شاگرد را به «سکوت»، «خمود»<sup>۱</sup> و «جمود»<sup>۲</sup> در مقابل استاد و انقیاد بی چون و چرا در مقابل وی و سلب اختیار از خویشتن فرا می خواند و شاگرد را به میّت یا حتی با ارفاق نویسندگان کتب تعلیم و تربیت، به مریض تشبیه می کند، بر خلاف دستور قرآن و سنّت است و اعتماد به نفس، استقلال فکری، جسارت علمی، مطالبه گری علمی و پرسشگری را از شاگرد سلب می کند. در این نظام تربیتی، هر گونه نقد و ردّ نظر استاد، امری قبیح یا دست کم غیر اخلاقی شمرده می شود. با توجه به استادمحور بودن نظام تعلیم و تربیت و جایگاه ویژه مدرّسان در تربیت عملی دانش پژوهان در تمدن اسلامی و به خاطر اینکه فضای حاکم بر مراکز علمی تمدن اسلامی از جمله ایران در طول این قرنهای صوفیانه بوده و علمای علوم مختلف از فقه و حدیث گرفته تا حکمت و ادبیات نوعاً یا به صورت رسمی لقب صوفی داشته اند یا صوفی مسلک بوده اند و این مسلک به صورت پیوسته، به شاگردان نیز انتقال پیدا کرده است؛ این امر باعث شده فرهنگ ایران در قرون میانه (قرن ۴ تا ۷ ق) با اندیشه های صوفیه و کنشها و واکنشهای صوفیانه آمیخته شود و رنگ و بوی صوفیانه به خود بگیرد. حاصل این سبک تعلیم و تربیت را می توان در تاریخ علوم در ایران دوره اسلامی، حتی در عنوان کتابها به وضوح دید. رشد «تعلیق نویسی» و «شرح نویسی» در فرهنگ علمی جهان اسلام، حاکی از این رویکرد استاد و شاگردی در نظام تعلیم و تربیت اسلامی است. هر کتاب خوب از دانشمندان مسلمان را که در نظر بگیریم، در کنار آن ده ها شرح و تعلیق بر آن را هم می بینیم که توسط شاگردان بی واسطه و با واسطه نوشته شده است.<sup>۳</sup> شاگردانی که خودشان استاد شده بودند، هنوز هم به خاطر احترام به اساتید و دانشمندان سلف، به جای جسارت علمی و نوآوری، به نوعی تقلید و راهروی علمی دست می زدند و اگر استثنائاً شاگردی چون شیخ مفید، در نقد کتاب «الاعتقادات» استادش شیخ صدوق، کتاب «تصحیح الاعتقاد» را بنویسد و به مبانی استاد، انتقاداتی - کاملاً منطقی و در چارچوب اخلاق - وارد کند، آنقدر خلاف عرف و خرق عادت است که در عصر حاضر نیز از آن به عنوان «شورش علیه استاد» یاد شود. (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۱: ۱۳۹)



۱. خمود به معنی خاموشی، بی حالی، سنگینی و رخوت آمده است.

۲. جمود به معنی عدم تحرک، کورنی، نفهمی، توقف و سردی آمده است.

۳. ر.ک: معجم هایی مانند عبدالله محمد الحیثی، جامع الشروح و الحواشی؛ معجم شامل لاسماء الکتب المشروحه فی التراث الاسلامی و بیان شروحها، ابوظبی، المجمع الثقافی، ۲۰۰۴.



## منابع

- ابن الجماعه کنانی، محمد (۲۰۱۲ م). *تذکره السامع و المتکلم فی ادب العالم و المتعلم*. بیروت: دارالبشائر الاسلامیه.
- اشپولر، برتولد (۱۳۷۷). *تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی*. ترجمه مریم میراحمدی. تهران: علمی و فرهنگی.
- العجلونی، اسماعیل بن محمد (۱۳۵۱). *کشف الخفاء و مزیل الالباس عما اشتهر من الاحادیث علی السنه الناس*. قاهره: مکتبه القدسی.
- المقدسی، ابن عبدالسلام (۲۰۱۱ م). *حل الرموز و مفاتیح الكنوز*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- باخرزی، یحیی (۱۳۸۳). *اوراد الاحباب و فصوص الآداب*. تهران: دانشگاه تهران.
- باغستانی، اسماعیل (۱۳۷۵). «تعلیم و تربیت ۲ و ۳». *دانشنامه جهان اسلام*. تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی.
- دهباشی، مهدی و سید علی اصغر میرباقری فرد (۱۳۹۴). *تاریخ تصوف* (جلد اول). تهران: سمت.
- رازی، نجم‌الدین (۱۳۲۲ ق). *مرصاد العباد*. تهران: [بی‌نا].
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۹۸۰). *الذریعه الی مکارم الشریعه*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- سلطان‌ولد، بهاء‌الدین محمد (۱۳۷۶). *انتهانامه*. تهران: روزنه.
- سهروردی، ابو حفص عمر (۱۴۲۷ ق). *عوارف المعارف*. قاهره: مکتبه الثقافه الدینیّه.
- شبلی، احمد (۱۳۸۷). *تاریخ آموزش در اسلام*. ترجمه محمدحسین ساکت. تهران: نگاه معاصر.
- طباطبایی، سید هادی (۱۳۹۱). «شورش علیه استاد؛ بررسی کتاب تصحیح الاعتقاد شیخ مفید». *کتاب ماه دین*، ش ۱۸۴.
- غزالی، محمد (بی‌تا). *احیاء علوم الدین*. بیروت: دارالکتب العربی.
- غزالی، محمد (۱۳۲۲ ق). *فاتحه العلوم*. مصر: مطبعه الحسینیّه المصریه.
- غنیمه، محمد (۱۳۶۴). *تاریخ دانشگاههای بزرگ اسلامی*. ترجمه نورالله کسائی. تهران: یزدان.
- قرطبی، ابن عبدالبر (۱۹۹۶). *جامع بیان العلم و فضله*. قاهره: مکتبه ابن تیمیه.

1198 ♦ نقد تأثیر تصوّف بر آداب «استاد و شاگرد» در کتب تعلیم و تربیت اسلامی قرون میانه

- قشیری، عبدالکریم (۱۳۷۴). رساله قشیریّه. ترجمه ابوعلی عثمان. تصحیح بدیع الزمان فروزانفر. تهران: علمی و فرهنگی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۲). الکافی. تهران: اسلامیه.
- کیانی، محسن (۱۳۶۹). تاریخ خانقاه در ایران. تهران: طهوری.
- مستملی بخاری، اسماعیل (۱۳۶۳). شرح التعرف لمذهب اهل التصوّف. تهران: اساطیر.
- مکی، ابوطالب (۱۴۲۴ ق). علم القلوب. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- مهیار، رضا (بی تا). فرهنگ ابجدی. [بی جا]: [بی نا].
- میرباقری فرد، سید علی اصغر (۱۳۹۴). تاریخ تصوّف (جلد دوم). تهران: سمت.
- نوالی، محمود (۱۳۷۳). «تأثیر عرفان و تصوّف اسلامی بر کیفیت تعلیم و تربیت ایرانی». نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، ش ۱۵۲-۱۵۱.
- نووی، یحیی بن شرف (۱۹۸۷). ادب العالم و المتعلم. طنطا (مصر): مکتبه الصحابه.
- همدانی، عین القضاة (۱۳۴۱). تمهیدات. تهران: دانشگاه تهران.
- Al-Ajluni, Ismail Ibn Muhammad (1972). **Discovering the secrets and the goodness of the clothes Uncle Ashtar from the hadiths on the Sunnah of the people.** Cairo: Holy School.
- Al-Maqdisi, Ibn Abdul Salam (2011). **Solve the mysteries and keys of Al-Kanuz.** Beirut: Scientific Library.
- Baghestani, Ismail (1996). "Education 2 and 3". In: *Encyclopedia of the Islamic World*. Tehran: Islamic Encyclopedia Foundation.
- Bakharzi, Yahya (2004). **Orad Al-Ahbab and Fusus Al-Adab.** Tehran: University of Tehran Press.
- Dehbashi, Mehdi & Seyed Ali Asghar Mirbagheri Fard (2015). **History of Sufism (Vol. I).** Tehran: Samt.
- Eshpolder, Bertold (1998). **History of Iran in the first centuries of Islam.** Translated by Maryam Mirahmadi. Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company.
- Ghazali, Muhammad (1904). **Fatehat Al-oloum.** Egypt: Al-Husseiniyah Press.

1199 ❖ سيد محمدرضا حسيني وهمكاران

- Ghazali, Muhammad (without date). **Revival of the sciences of religion**. Beirut: Dar Al-Kitab Al-Arabi.
- Gonayma, Mohammad (1985). **History of major Islamic universities**. Translated by Noorullah Kasaei. Tehran: Yazdan.
- Hamedani, Ayn al-Quds (1962). **Preparations**. Tehran: University of Tehran.
- Ibn al-Jama'a Kanani, Muhammad (2012). **Note the listener and the speaker in the literature of the world and the learner**. Beirut: Dar al-Bashir al-Islamiyah.
- Kiani, Mohsen (1990). **History of the monastery in Iran**. Tehran: Tahoori.
- Kolini, Muhammad ibn Ya'qub (1983). **Enough**. Tehran: Islamieh.
- Mahyar, Reza (Bita). **Abjad culture**. [Bija]: [Bina].
- Maki, Abu Talib (2003). **The science of hearts**. Beirut: Scientific Library.
- Mirbagheri Fard, Seyed Ali Asghar (2015). **History of Sufism** (Vol. II). Tehran: Samt.
- Mustamli Bukhari, Ismail (1984). **Explain the definition of the religion of Sufism**. Tehran: Asatir Publications.
- Nawali, Mahmoud (1994). "The Impact of Islamic Mysticism and Sufism on the Quality of Iranian Education". *Journal of the Faculty of Literature and Humanities, University of Tabriz*, No. 151-152.
- Novi, Yahya bin Sharaf (1987). **The literature of the learned and the learned**. Tanta (Egypt): The School of the Companions.
- Qurtubi, Ibn Abd al-Barr (1996). **Comprehensive expression of knowledge and waste**. Cairo: Ibn Taymiyyah School.
- Qusheiri, Abdul Karim (1995). **Risaleye qusheiriah**. Translated by Abu Ali Osman. Correction of the of Forouzanfar. Tehran: Scientific and cultural publication.
- Razi, Najmuddin (1904). **Mersad Al-ebad**. Tehran: [Bija].
- Ragheb Isfahani, Hussein Ibn Mohammad (1980). **Al-Dari'ah to Makarem al-Shari'ah**. Beirut: Scientific Library.
- Sultan Valad, Baha'u'llah Muhammad (1997). **End letter**. Tehran: Rozaneh.

1200 ◆ نقد تأثیر تصوّف بر آداب «استاد و شاگرد» در کتب تعلیم و تربیت اسلامی قرون میانه

- Suhrawardi, Abu Hafs Omar (2006). **Awaref Al-Maaref**. Cairo: School of Religious Culture.
- Shebli, Ahmad (2008). **History of education in Islam**. Translated by Mohammad Hussein Saket. Tehran: Contemporary Look.
- Tabatabai, Seyed Hadi (2012). “**Rebellion against Master; Review of Sheikh Mofid's book Correction of Belief**”. *Book of the Month of Religion*, No. 184.

